

گور هنر

گور هنر

(تأملی نو در چینی حقیقت هنر اسلامی)

به همراه:

هنر خوب دیدن

و

فروتنی یا هنر بندگی در معماری زمین

دکتر محمد علی آبادی

سرشناسه	علی آبادی، محمد، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	گوهر هنر: (تاملی نو در چیستی حقیقت هنر اسلامی) به همراه «هنر خوب دیدن» و «فروتنی یا هنر بندگی در معماری زمین»/محمد علی آبادی.
مشخصات نشر	تهران: نور مهرآز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۳۹۸ ص.
شابک	۸-۰-۹۲۳۵۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	تاملی نو در چیستی حقیقت هنر اسلامی (به همراه: «هنر خوب دیدن» و «فروتنی یا هنر بندگی در معماری زمین».
موضوع	هنر اسلامی
موضوع	اسلام و هنر
رده بندی کنگره	۱۲۶۳/۶۲۶۰N
رده بندی دیویی	۱۷۶۷۱ ۷۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۳۶۳۵۳۳

کتاب:	گوهر هنر: (تاملی نو در چیستی حقیقت هنر اسلامی)
مؤلف:	دکتر محمد علی آبادی
ناشر:	انتشارات نور مهرآز
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی:	انتشارات نور مهرآز
چاپ‌خانه:	نقش و نشان
نوبت چاپ:	اول
سال نشر:	۱۳۹۳
شابک	۸-۰-۹۲۳۵۳-۶۰۰-۹۷۸
تیراژ:	۲۰۰۰ نسخه
قیمت:	۲۵۰۰۰ تومان

همه حقوق طبع برای مؤلف محفوظ است

آدرس: تهران، سهروردی جنوبی، نبش امین‌زاده، پلاک ۳

تلفن: ۲۲۹۵۰۷۸۱ (پست الکترونیک: mohammad.aliabadi@gmail.com)



فهرست مطالب

.....	مقدمه:	۱
.....	أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ	۱
.....	فصل اول: شهادت در هنر	۴
.....	نگاهی نو به چستی حقیقت هنر در نگرش اسلامی	۶
.....	أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ	۶
.....	مختصری درباره چستی حقیقت انسانی انسان، و چگونگی زندگی حقیقی او	۷
.....	رسالت حقیقی عالم وجود، برپا داشتن حیات الهی انسانی است	۸
.....	بهره‌گیری مضاعف از هدایت الهی عقل کُلّی در راه رسیدن به کمال	۹
.....	هدف انسان مسلمان، خداگونگی و هم‌نشینی با خدا در بهشت روحانی جمال و کمال است	۹
.....	هم‌شانی زندگی مادی انسان‌ها با حیوانات و امکان سقوط در جهنم	۱۰
.....	ضرورت شناخت حقیقت نفس، و گرایشات متضاد ذاتی آن در شکل‌گیری یک جهان‌بینی الهی	۱۱
.....	نگرش علمی محض به جهان، و اتکاء صرف به ادراکات حسی، در هنر کافی نیست	۱۲
.....	استناد صرف به درک ساده حسی به خلق آثار مادی گرایانه می‌انجامد	۱۳
.....	جهان‌بینی مورد قبول اسلام، در حقیقت، برزخی است بین بیش حسی و بیش عقلانی	۱۳
.....	ورود هر فرد انسان به اسلام و مسلمانی، با ورود او به عرصه هنر و هنرمندی، هم‌زمان است	۱۵

- در منظر نظر اسلام، انسان، فطرتاً، هنرجو، هنرشناس و هنرمند است. ۱۶.....
- در تفکر اسلام، «شهادت» بالاترین حد کمال، و شهیدبودن، هدف اصلی هر مسلمان است. ۱۶.....
- عالم، هنرستان و نمایشگاه جمال و کمال آفریدگار است. ۱۹.....
- هر انسانی باید خود و عالم را آئینه تجلیات جمال و کمال محبوب سازد. ۲۰.....
- هر یک از موجودات عالم، هنرمند و مشهودی برای صفات جمال و کمال است. ۲۰.....
- اساساً جامعه اسلامی، جامعه هنرمندی و هنرمندان است. ۲۱.....
- به عمل کار برآید، به سخن دانی نیست. ۲۲.....
- هر انسانی (در هر مکان)، می تواند هنرمندی شهید باشد؛ راه برای همه باز است. ۲۳.....
- پرووی هنرمند از عقل خود و عقل کلی شرط نیل به هنرمندی شهادت محور است. ۲۳.....
- انسان و هنر اسلامی، حقیقتی روحانی که در آینه مجازتمای عالم ماده ظاهر می گردد. ۳۱.....
- هنرمند اسلامی، خبرآوری از غیب، و مظهر و مظهر آن در جامعه. ۳۳.....
- حق شهادت برای هنرمند، تنها با رسالت تحقق پیدا می کند. ۳۴.....
- مختصری در باب معنائی و واژه شهید. ۳۵.....
- هنرمند شهید، منشأ آثار و پیا و فائده مند، و جاری شدن حیات انسانی در جامعه است. ۳۸.....
- هنر و هنرمندی واقعی، همان پدیدار ساختن اخلاق خدا، و شهادت در راه اوست. ۳۸.....
- خروج از حد اعتدال در هر امری، مذموم و نکوهیده است. ۳۹.....
- امکان تحقق برای آثاری است که با صفات الهی و سنت های او در انطباق باشند. ۴۰.....
- وظیفه، شهید بودن برای خداست. و مسلمانان، روزانه دهمرتبه آن را زبانا شهادت می دهند. ۴۲.....
- علاوه بر گفتار، در رفتارمان نیز تنها خدا و پیغام آور او و پیغام آوری او دیده شود. ۴۲.....
- بیشتر اختلالات موجود در آثار هنری نتیجه دخالت خودبینی های نفس هنرمند است. ۴۳.....
- در تعریف هنر: ۴۳.....
- تعریف هنر از دیدگاه اسلام: در اسلام، «خلق» (یعنی «آفریدن»)، همان «هنر» است. ۴۴.....
- هنر اسلامی، همچون مربی و معلم خود، دانش مدار و حکمت محور است. ۴۵.....
- نظام مندی در زندگی، و شکوفندگی و کمال جوئی فرآیند مدار آثار در هنر اسلامی. ۴۶.....
- در هنر اسلامی، رابطه هنرمند (یا: «رب» پرورش دهنده) با اثر هنری همواره برقرار است. ۴۹.....
- قرآن کریم، بزرگترین هنر و آفرینش هنری در عالم است. ۴۹.....
- در هنر اسلامی آثار باید در ساختار «قرآن مانند» (یعنی: نظام مند و مرتبط الاجزاء) باشند. ۵۱.....
- صفات قرآنی هنر: «شکوه مندی»؛ «روشنی و خوانائی»؛ و «هدایت گری کرامت محور». ۵۲.....

- دیگر صفات قرآنی هنر اسلامی: ۵۳
- رابطه پاک نگاه داشتن چشم و گوش هنرمند با تاثیر اذان کمال محور مرتبی ۵۴
- ستایش و ثنای جمیل: فقط بر آفرینش اختیاری خوبی ها و زیبایی ها تعلق می گیرد. ۵۶
- رسالت وجود انسانی انسان، تنها از طریق هنری حقیقی متحقق می گردد. ۵۷
- هر آفریده ای شاهد صفات و پیغام آور احکام آفریدگار یگانه خویش است. ۵۸
- هنر واقعی انسان را در مسیر حیات معقول و تکامل مطلوب انسانی قرار می دهد. ۶۰
- از کوزه همان ترون تراود که در اوست. ۶۰
- در هنر مصنوع ما نیز هنرمند، خود الله، و زیبایی ها، تجلی صفات خود اوست. ۶۱
- انسان، «کوزه ای دریا دل»: ۶۳
- انسان: خلاصه، مستوره و یا «مسطوره» ربانیت زمین. ۶۴
- سرگذشت پُر سور و گداز دوره تکاملی کوزه در دل آتش: ۶۶
- «وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»: که «یکی» هست و نیست «کس» جز او ۶۷
- همه موجودات، به تناسب هندسه ظرف وجودی خود، بهره ای خاص از وجود دارند. ۶۹
- ارتباط مرگ و حیات ۶۹
- و جای گاه هر یک از آن دو با فرایندمداری رشد کمال محور نفس عاقله انسانی ۶۹
- تفاوت سطح برخورداری از وجود به اصل «ذو مراتب بودن هرم هستی» برمی گردد. ۷۰
- کمال اثر هنری، بسته به کمال وجودی ظرف آن یعنی نیاز هنرمند و یا مخاطبین اثر است. ۷۱
- تفاوت حقیقی انواع موجودات، از مرتبه بندی و فرایندمداری آفرینش منشأ گرفته. ۷۲
- تُرؤل حقیقی عالی، کم شدن، کوچک تر شدن و یا پست تر شدن مرتبی آن نیست. ۷۳
- اما کار «نازل» چیست و چرا باید دارا به این هندسه ساختاری مخصوص باشد؟ ۷۴
- نازل شدن هر چیز از مرتبه بالاتر به مرتبه پائین تر، باید به واسطه نازل کننده ای صورت گیرد. ۷۵
- «آفریدن» (یا «نازل نمودن») هر معنای متعالی به عالم دانی و مادی، بستگی به محیط دارد. ۷۶
- همه موجودات، کامل ترین بهره را از وجود و جمال و کمال خالق خود برده اند. ۷۸
- مختصری در باب خاص بودن نوع شناخت و ابزار شناخت حقیقت در موضوع هنر ۷۸
- درخواست دیده شدن نور مطلق توسط قوه یتایی، امری نامعقول و ناممکن است. ۷۹
- هیچ عقل سلیمی حتی دیده شدن فرضی خدای نامحدود با چشم محدود را نمی پذیرد. ۸۰
- ناتوانی قوای محدود انسان در شناخت ظاهری برای درک حقیقت موجودات ذوابعاد ۸۰
- ارتباط مستقیم درجه کمال و صحت عمل شناخت، با درجه کمال و وسعت قوه شناسایی کننده. ۸۱

- در موضوع شناخت، مُراد از «نور» همان «علم» است. ۸۳
- هدف مقصود در درک حقیقت تنها می‌تواند درک علمی و عقلی باشد. ۸۳
- علّت این پرسش توسط موسی علیه‌السلام (در دیدن خُدا) چیست؟ ۸۴
- آنچه که باقی می‌ماند همان علم حضوری و شهودی است. ۸۵
- منظور از کُوه در داستان موسی، همان کُوه مَنیت و هوای نفسِ انسان است. ۸۵
- تو خود حجاب خودی حافظ، از میان برخیز. ۸۷
- «آگاهی به حقیقت چیستی مطلوب» شرط نخستین، برای دست‌یابی به آن است. ۸۸
- کار «نور» کشف «هست‌ها» است، و علم، نور است. ۸۸
- نور پدیدارکننده در ساحت هنر اسلامی «الله» است، و «الله» ... اسمی است برای نور. ۹۰
- علم جامع یا نور «الله» واسطه «خلق» و یا «پیدایی» معانی آسمانی در عالم عین است. ۹۲
- حقیقت مُطلق و جان‌ناز دانا می‌است: «حق جل‌وعلی» را تنها با چشم عقل و دانش می‌توان دید. ۹۳
- «عالم عین» تنها «ظرفی محدود برای وجود» است، و نامحدود در آن نمی‌گنجد. ۹۵
- «الله» یعنی «علم جامع»، نور و قدرت بینایی چشم است، و قدرت بینایی دیده نمی‌شود. ۹۶
- «آیه» و «مَثَل» در قرآن، همان نماد و مجاز است، و نماد و مجاز را باید تعبیر نمود. ۹۷
- راه دیدار با خُدا، هنر است؛ و عمل صالح، هنر یا آئینه‌ای برای شهود نمادی از خُدا. ۹۸
- وظیفه هر انسان، دیدن روی دوست و آئینه‌داری صفات جمال و کمال اوست. ۱۰۰
- هنر، پدیدارکردن معنا و حقیقتی بی‌حد و مرز در یک صورت محدود به حدود است. ۱۰۱
- «هنر» یعنی: فرود آوردن آسمانی به زمین، و پنهان به آشکار، و غیب به شهود. ۱۰۱
- جمع هستی و حیات شعورمند منشأ هنر است، و اثر هنری تجلی‌گاه حیات شعورمند. ۱۰۴
- فصل مشترک اثر هنری، هنرمند و آفریننده یگانه «خردمندی، حیات و قدرت» است. ۱۰۵
- تناسب ظرفیت ذهن هنرمند، مخاطب و ظرف وجودی اثر با معنای نازل‌شونده. ۱۰۸
- انسان مُستعد درک حقیقت و قادر بر انعکاس آن در آثار خویش است. ۱۰۹
- عدم توان‌مندی مخلوق برای دریافت معنا، و تحقق آن در عالم، ناتمامی کار خالق است. ۱۱۰
- آفرینش «هنر»ی آسمانی، خردمدار، و با «امر» (پرورش موجودات)، هم‌خوانی دارد. ۱۱۰
- خلق هنری، جامی نقش به رخساره محبوب و مناسب با اندازه فهم مخاطب است. ۱۱۲
- مقصد، «کمال» است، و کمال، هم‌شکلی با «کمال مطلق» و صفات آن است. ۱۱۵
- جهان: ظرف بندگی خُدا (فرمان‌برداری از یگانه عقل و هم‌آهنگی همه‌جانبه با آن). ۱۱۷
- طبیعت‌گرایی و عمل بر اساس فطریات انسانی نیز همان بندگی خُداوند اندیشه‌هاست. ۱۱۸

کمال غایی: رسیدن به مقام خداگونگی یعنی خردمداری در اخلاق و صفات و کارها..... ۱۱۹
 بستر زندگی خردمحور، بستر پرستش و بندگی خداوند..... ۱۱۹
 زمین و زندگی زمینی ما، مسجد و نماز برپایی رابطه جدایی ناپذیر خالق با خلق است..... ۱۲۲
 راه هنر و هنرمندی در اسلام، همین راه معمول زندگی است..... ۱۲۴
 نهایت مرتبه کمال واقعی و حقیقت تقرب الهی، رسیدن به مرتبه‌ای کمال یافته از عقل است..... ۱۲۶
 آیا می‌توان هنر را در قالب همین صورت‌های هنری معمول و شناخته شده، محدود و بسته کرد؟..... ۱۲۷
 «دانش‌بنیانی»: اصل و اساس برپادارنده و نگاه‌دارنده اثر هنری..... ۱۲۹
 مهندسی «هنر یا صنعت الهی»، مهندسی دانش‌بنیان است و در همه مراحل کار، مستمرآ به علوم و معارف قطعی و حقائق متقن عقلانی مراجعه دارد..... ۱۳۱
 اساس هنرمندی و هنرنمایی بر حقیقت‌طلبی و حقیقت‌جویی دایر است..... ۱۳۲
 نخستین کار هنری هنرمند مسلمان شناخت حقیقت وجود خویش است..... ۱۳۳
 هنرمندی: جانشینی خدا در زمین و جهانیان، همراه و هم‌کاران هنرمند در راه کمال..... ۱۳۳
 هنرمندان، سفیران خداوند در هدایت و پیمایش راه کمال‌جویی در جهان آفرینش می‌باشند؛..... ۱۳۵
 گفتار هنرمند، گفتار خدا؛ و وجود خود او و فعل و اثر او منسوب به خدا..... ۱۳۸
 دو دهان داریم گویا همچو، «بی»..... ۱۳۹
 هنرمند نه «کافر» است و نه «مشرک»: بلکه «مسلمانی تسلیم نسبت به خداوند سلام»..... ۱۴۰
 ناطقهٔ پیام‌آور الهی نیز بی‌گونه‌ای است که «نفس الرحمان» یا «روح» در نای آن دمیده می‌شود..... ۱۴۱
 عقل و اندیشهٔ هنرمند کتابی است «آسمانی» که به «قلم الهی» نوشته می‌شود..... ۱۴۴
 و «این» معنای عبودیت و خالی شدن از خویش خویش است!..... ۱۴۵
 فساد هر هنر و هنرستان، در کثرت متزاحم اندیشه‌های هنرمندان آن است..... ۱۴۷
 اشاره‌ای به چستی معنای «توحید» در امر بندگی و فرمان‌برداری..... ۱۴۸
 «توحید ناب» همان دریافت «وحدت یا یگانگی ذاتی اندیشه و موجودیت دانش‌بنیان جسم و جان خویش با ذات مقام خداوندگاری جزء و کل هستی» است..... ۱۴۹
 تجلی توحید در فعل هنرمند مسلمان..... ۱۵۳
 هرچه که هست خود اوست، و آنچه که ظاهر است همان روی دیگر سکه یعنی باطن است..... ۱۵۷
 مالکیت مطلقهٔ خداوند نسبت به همهٔ زیبایی‌ها و کمالات در سخن امام رضا (علیه‌السلام):..... ۱۵۷
 باید بدانیم که «نیست» ایم..... ۱۶۱
 جهان، «اندازه‌مند» و «اندازه‌گذارنده»: «حق» و «اندازه‌گذاری» اسم فعل «اوست»..... ۱۶۲

- عالم خیال، جمع بود و نبود، «تبارک و تعالی»..... ۱۶۳
- در بحث «وحدت وجود»، دیگر «جُدایی حقیقی معلول از علت»، موضوعیت ندارد:..... ۱۶۳
- «تقرب» مشهور در افواه یعنی: «کمال طلبی» یا «وصال جُوی طبع مخلوق به خالق»..... ۱۶۴
- درست یک قدم آن طرفتر، جهنم است. تفاوت درب‌های بهشت از جهنم:..... ۱۶۵
- با مدیریت و کنترل عقل می‌توان درب‌های جهنم را به درب‌های بهشت تبدیل نمود..... ۱۶۶
- جنس هنر اسلامی، «مُحبّت و عقلانیت» است..... ۱۶۸
- دین ما دانش‌مداران مسلمان همان «مُحبّت» است..... ۱۶۹
- «عقل»، چیزی نیست مگر «قطره‌ای از مُحبّت»..... ۱۷۰
- در حقیقت، هنرمند واقعی همان «عقل سالم و حاضر و فعال» است..... ۱۷۲
- زبان محاوره‌ای، هنر است؛ و هر «کلمه» خود «اثری هنری» است..... ۱۷۲
- «آفرینش زبان» = «آفرینش هنر» (و آفرینش «گوناگونی ظاهری هنرها» از خُداست)..... ۱۷۴
- پی‌گیری دقیق‌تر معناشناسی «کلمه» و «کلام» در فرهنگ التَّحْقِيق..... ۱۷۷
- جوهر کار هنر، یادآوری نمودن حقیقت به انسانیست که فراموش کاری ذاتی اوست..... ۱۷۹
- «کلمه‌ها»، همان: «نمادها یا صورت‌های زمینی و متعدد از حقایق بسیط و شتعالی» هستند..... ۱۸۱
- در حقیقت، «هنر» همان «خبر ساختن از غیب معنا» و نیز «به دیدار آوردن خبر» است..... ۱۸۴
- کمال جویی و رشد‌پذیری عقل آدمی نسبت به علم و شناخت حقیقت..... ۱۸۶
- شرط تحقق خُداگونه‌گی نفس: تکرار آگاهانه و دانش‌مدارانه گفتار و رفتار و خلق آثار..... ۱۸۷
- کار هنرمند «خبرآفرینی» است، و کار هنرشناس «ترجمه و تفسیر خبر»..... ۱۸۹
- آدم: مسافری که دائماً در راه سفری ملکوتی با مبدأ و مقصد «از خُدا تا به خُدا» است..... ۱۹۰
- انسان، مظهر اسم «خالق»، و عامل خَلق (یعنی پدیداری صفات جمال و کمال) در زمین است..... ۱۹۰
- دلیل برتری انسان بر فرشته «قدرت آفرینش کلمه از معنا»ست..... ۱۹۱
- «عقل» همان «لَیْلَةُ قَدَر» است؛ و محل آمدوشد و منزل فرود آمدن رُوح و ملائکه..... ۱۹۴
- رابطه انسان با فرشته: «انسان از فرشته برتر است»..... ۱۹۷
- نازل شدن وحی: انتقال معنا از مرتبه برتر و باطنی وجود ذمیرات عقل به مرتبه ظاهری..... ۱۹۸
- آیه‌اله جوادی اُمّلی: در چگونگی وساطت فرشته در فرود آمدن پیام الهی در اندیشه:..... ۱۹۹
- در شرح فراز «فرشته، شأنی از شؤن وجودی انسان کامل است»..... ۲۰۳
- کار هنرمند و آثارش، شناساندن صفات خُداوند در منظر جهان است..... ۲۰۷
- پیامبران، اولین و والامقام‌ترین هنرمندان در عالم هستند..... ۲۰۸

- آیا می‌توان گفت که هر انسانی هنرمند بوده و توان هنرآفرینی دارد؟ ۲۱۰
- حدّ وجودی محسوسات و آثار کالبدمند، تنها همان حدّ ظرف و یا صفحه آئینه‌اند. ۲۱۰
- هنر تنهاوتنها برای یادآوری انسان نسبت به حقیقت ماهیت خویش و جای‌گاه الهی او در هم‌جواری هم‌راه و گریزناپذیر با خدا و صفات خداست. ۲۱۱
- انسان در آغاز راه، هیچ نمی‌داند، و هدف از آفرینش او «شکوفائی در دانایی فطری» است. ۲۱۲
- مخاطبان هنر انسانی، تنها اندیشمندان هستند! ۲۱۳
- «جای‌گاه طبیعت در هنر:» «طبیع» به معنای مهر و نقشی است الهی و تغییرناپذیر: ۲۱۵
- کار هنرمند، تحریک و فعال‌ساختن همان قوّه درک و دریافت حقایق معقول است: ۲۱۷
- نقش وجه خدا و صفات خدا بر صفحه ذهن انسان، نقشی ثابت و جاویدان است. ۲۱۸
- پیمایش حقیقی مسیر تکامل (که همان دین حنیف و صراط مستقیم الهی است)، همین است. ۲۱۹
- راه خدایی هنر، ثابت و تغییرناپذیر است. ۲۲۰
- وظیفه هنرمند در خلق یک اثر هنری، نمایاندن و یا بازنمایاندن این نقش‌های طبیعی است. ۲۲۱
- وظیفه هنرمند، نمایاندن و یا بازنمایاندن صفات الهی بر صفحه رفتار و کردار و آثار خویش است. ۲۲۴
- در هر سمت و سو، و در هر فعل و حال از زندگی جمال و کمال الهی دیده می‌شود. ۲۲۵
- انسان برای رسیدن به حقیقت و شناخت و درک آن، همه لوازم را در اختیار دارد. ۲۲۷
- وظیفه هنر اسلامی، ابداع معنا نیست؛ بلکه «ذکر حق» یعنی «یادآوری معنا» است. ۲۲۹
- «ذکر» یعنی: «به یاد آوردن نفس انسانی نسبت به هدایت‌های درون‌ذاتی خود». ۲۲۹
- تنها راه به سعادت رسیدن انسان، فقط و فقط، همین دین فطری «خردمداری» است. ۲۳۰
- اندازه‌های درون‌ذاتی نفس روحانی و اخلاق انسانی الهی و خداگونه است: ۲۳۰
- «رنگ اسلام»: «رنگ خدا»؛ ۲۳۱
- و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را فرمان‌برداری می‌کنیم. ۲۳۱
- «صِبْغَةُ اللَّهِ» همان «فطرت الله» است؟ ۲۳۲
- ای آموزگاران هنر؛ فقط و فقط یادآوری کنید، هیچ راهکار دیگری لازم نیست. ۲۳۳
- آری! کار هنرمند و یا پیغام‌بر، فقط و فقط یادآوری است. ۲۳۵
- «یاد حقیقت و بودن با آن»: راه تحقق آرامش نفس حقیقت‌جوی انسانی. ۲۳۷
- بسیار بسیار مهم: ۲۳۹
- راه و راز موفقیت: تنها و تنها باید به یاد الله بود، نه به یاد کریم و یا عادل و یا ۲۳۹

۲۴۰		بهشتی از جنس عقلانی تمام و کمال یافته و بلکه از جنس عقل کل
۲۴۲		نتیجه: هنر اسلامی، همان «ذکر» یا «یادآوری» است
۲۴۴		آخرین کلام:
۲۴۹		فصل دوم:
۲۴۹		هنر خوب دیدن: رسول مُحَبَّت:
۲۴۹		(نگاهی دیگر به مبانی نظری هنر نبوی)
۲۵۱		هنر خوب دیدن:
۲۵۱		مقدمه
۲۵۲		واژه‌شناسی:
۲۵۲		در مقام و معنای مُحَبَّت:
۲۵۳		در مقام و معنای عشق:
۲۵۶		دل حرم یگانه محبوب است، و چشم و گوش، درب‌های آن
۲۵۸		همه چیز «زوج» آفریده شده
۲۶۰		چشم و گوش به فرمان دل هستند:
۲۶۱		محبوب را در کجا ببینیم؟
۲۶۴		تضاد و زیبایی:
۲۶۴		هنر «فقط خوب دیدن»!
۲۶۶		انسان، آئینه خدا، و عشق انسان عاشق، آئینه جمال خدا است
۲۶۷		عهدِ اَلت:
۲۶۹		وحدت عشق و عاشق و معشوق
۲۷۰		چشم خدا بر جمال خداست:
۲۷۲		هنر پوشانیدن زشتی‌ها و ظاهر ساختن زیبایی‌ها
۲۷۳		«هنر دوست داشتن همه» (: زشت یا زیبا: خار یا گل)
۲۷۴		«مُحَبِّ خدا، به همه ذرات هستی عشق می‌ورزد»
۲۷۷		ادامه ریشه‌یابی بحث از منظری علمی‌تر در قرآن کریم:
۲۷۹		همیشه در خیمه وصال:
۲۸۰		هنر قربان‌شدن و قربانی‌دادن:

۲۸۲.....	«حقیقت مرگ»، همان «ملاقات با محبوب» است.....
۲۸۴.....	«آدم» خود «عشق» است؛ پدر و مادر عشق کدام‌اند؟.....
۲۸۵.....	حُسین (علیه‌السلام)، پدر عشق است!.....
۲۸۷.....	«سلام»، «قلب عشق» است؛ و «دارالسلام» (یعنی «بهشت»)، «خانه عشق».....
۲۸۹.....	حقیقت بهشت و جهنم از منظر مُحبّت (در دیدگاه هنر نبوی).....
۲۹۲.....	کمی بیشتر درباره عشق:.....
۲۹۴.....	آغاز عشق از کجاست؟.....
۲۹۶.....	اسماء الحسنی، تجلّی‌گاه روی محبوب.....
۳۰۲.....	راه بهشت، همان راه زندگی است، و کلید آن بندگی (یعنی اجابت فرمان محبوب).....
۳۰۳.....	راه نزدیک‌شدن و وصال یار، «خداگونه‌شدن» یا «تخلّق به اخلاق الهی» است.....
۳۰۴.....	بنابراین، یک هنرمند به جهان و آفریدگان آن با دیده مُحبّت می‌نگرد:.....
۳۰۵.....	این، تمامی معنا و مفهوم هنر نبوی است:.....
۳۰۶.....	مفهوم «وحدت» در هنر نبوی.....
۳۰۷.....	جایگاه «عقل و حکمت» در هنر نبوی.....
۳۰۸.....	چگونه می‌شود محبوب را دید؟.....
۳۰۸.....	نقش عقل در کشف پرده از رخسار یار و تبیین وحدت حقیقی عالم وجود.....
۳۱۸.....	اندیشه و قدرت تجریدِ باطن از ظاهر.....
۳۲۲.....	وحدت عقل، وحدت جمعیه است:.....
۳۲۳.....	راه حکمت: راه مُطالعه هستی با دیده عقل و کسب علم به حقیقت اشیاء.....
۳۲۵.....	اسلام و حکمت:.....
۳۳۱.....	فصل سوم: فروتنی با هنر بندگی در معماری زمین.....
۳۳۳.....	مقدمه.....
	از دیدگاه مؤلف، و البته بر اساس برداشت و فهم او از آیات قرآن کریم، مُراد از «رنایتِ زمین به
۳۳۷.....	توسط انسان» همان پرورش استعدادهای نهفته در دل آن است.....
۳۳۹.....	هنر و معماری اسلامی:.....
۳۴۰.....	دارالسلام:.....
۳۴۱.....	ریشه‌یابی واژه سلام:.....

۳۴۲.....	ریشه‌یابی واژه «اعتدال»:
۳۴۵.....	حکم هنرمند و معمار مسلمان همان برنامه‌ریزی و طراحی اوست.
۳۴۶.....	زیاده‌خواهی و برتری‌جویی یا عدالت‌خواهی و فروتنی؟
۳۵۰.....	زمین، شبی برای بندگی.....
۳۵۸.....	معماری زمین، مسئولیتی الهی.....
۳۶۰.....	بخشی واژه‌شناسانه: چند کلمه در باره حقیقت و چیستی معنا و مفهوم «معماری».....
۳۶۴.....	اصل معنا در معماری «ایجاد هیجان و حرکت در نظام خاموش و ساکن زمین» است!.....
۳۶۵.....	آفریننده «الله» (: «آن دانش فعال در هستی») است، و معمار مسلمان «زایش‌گر» و وظیفه‌اش «آسان‌سازی فرآیند زایش» است.....
۳۶۶.....	چگونگی اجرای «امر یا برنامه فرآیندمدار معماری زمین»:
۳۶۸.....	معماری را، در حقیقت امر، خود زمین انجام می‌دهد.....
۳۶۹.....	هم‌شکلی معماری دوست طبیعت و چگونگی عمل باستان‌شناسان در کاوش و حفظ آثار:
۳۷۰.....	نمایش جمال بار یا خود.....
۳۷۱.....	هم‌شکل با شکل «بی‌شکل» خدا و هم‌رنگ با رنگ «بی‌رنگ» او.....
۳۷۵.....	اختصار، سادگی و زیبایی در کار و آثار:
۳۷۷.....	طبع، طبیعت، هنر طبیعی، هنر قدسی.....
۳۸۲.....	نتیجه‌گیری:
۳۸۷.....	فهرست‌ها.....
۳۸۹.....	فهرست آیات.....
۳۹۳.....	فهرست روایات.....
۳۹۵.....	فهرست منابع.....

مقدمه:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

شاید، در نظر اول، کمی به نظر عجیب برسد، لیکن، بنده مقدمه سخن خود را (که در باره شرح و تعریف اجمالی چپستی «حقیقت هنر اسلامی» است) با ذکر مشهور و معروف و البته ضروری «شهادتین» در نماز شروع می‌کنم؛ و در حقیقت، اساس و مبنای بحث علمی و تحقیقی خود را در تعریف «هنر»، بر تعریف مقوله «شهادت» (و بلکه: بر تعریف «شهادت خالصانه انسان (هنرمند) بر الوهیت مطلقه الله و بندگی مخلصانه او نسبت به آن حقیقت برترین، و پیام‌آوری صادقانه و خالصانه و تنها و تنها از حضرتش») قرار می‌دهم. در بیانی لطیف‌تر، در این کتاب می‌خواهم یادآوری کنم: «جهان آفرینش سر به سر نماز گاهی است که بر سجاده احوال و افعال قدسی جاری در آن، «الله» تبارک و تعالی در قامت «انسان الهی» (: در وحدت حق حقیقیه جوهره ذاتی مُجَبَّت و عقلانیت همه افراد او) خود به «نماز» ایستاده. و در این ملازمت اصیل (یا: ریشه‌دار و پیوسته)، و در این هم‌پایی و هم‌نشینی و هم‌کلامی مُجَبَّت‌بینان حبیب با محبوب معبود، به «جلوه‌گری بی‌نهایت و تازه به تازه جمال و کمال» خود پرداخته. و البته «الله» تبارک و تعالی، در این دیدگاه، یعنی: «آن مطلق یگانگی در دانش و دانش‌مداری و زیبایی و زیباآفرینی حکمت‌بینان، آن دانش حاضر، زنده و فعال در قوه‌ی

اندیشنده‌ی جزء و کل هستی، و آن فاعلیت دانش مدار در هدایت و تدبیر امور و رفع نیازها و پرورش آفریدگان خدانما.

همان گونه که بر مخاطب محترم (و به ویژه مسلمان) این نوشتار نیز واضح و آشکار است، محتوای معنایی این دو ذکر، شهادتین قلبی و زبانی شخص نمازگزار، نخست، بر یگانگی (یا وحدانیت) آفریننده و یگانه فاعل فعال در مدیریت هدایت و پرورش جزء و کل این جهان؛ و دیگری، بر فرمان برداری تمام و کمال شخص انسان در پیام آوری (مستقیم و یا غیرمستقیم) از آن مقام یگانه (در جای گاه انسانی و بلکه وظیفه گاه انسانی) است. و آنچه که مؤدمتاً، در مقام والا و نقش بنیادین این دو فراز، دو شهادت و یا دو ذکر از ذکرهای نماز در صحت تحقق برپائی و درستی نماز باید بدانیم آن است که: بدون جای گرفتن مفهوم و حقیقت جوهری این دو شهادت در قلب (یا همان اندیشه) شخص نمازگزار، و جاری شدن صورت کلامی شان بر زبان، و تحقق یافتن همزمان آن ها در رفتار و کردار او، نماز مربوطه، در اصل درستی و تمامی برپائی (یا: صحت اقامه)، و نیز در صدق تحقق حقیقت وجودی و هدف مقصود از آن (: در تعالی شخصیت شخص نمازگذار و محیط زندگی فردی و جمعی وابسته به آن)، «باطل» (و یا به عبارتی، «بی هووده» و در نتیجه «مردود») بوده است. و هنر و هنرمندی در اندیشه اسلامی یعنی همین:

«هنر اسلامی» یعنی «نمازگزاردن» یعنی: «به نمازایستادن هنرمندی الهی در سجاده‌ی به نام زمین، و در حضرت حق، و برپاداشتن نمازی، و به بیانی، جلوه گاهی دیگر از جمال و کمال محبوب»: و یعنی: «آفرینشی خداگونه؛ و یعنی: به شهادت نشستنی دوباره و دوباره در نمایش گاه زیبایی های بی پایان و لطیف ترشونده‌ی او»، درست همان گونه که رسول الله بود: «بنده‌ای فرمان بردار و به دور از هر حرام، با قلبی پاک و همیشه تمام و پیغام آوری امینی راست گوینده از آن خداوندگار همام».